کار هنری روی حجاب

هر ایده و اندیشه و انقلابی که در قالب هنر نگنجد، ماندنی نخواهد بود، آن چیزی که ایده‌ها را در تاریخ نگه می‌دارد و در سطح جامعه گسترش می‌دهد و در عمق جان انسان‌ها می‌ریزد و از این نسل به نسل بعد منتقل می‌کند، یک رابطه هنرمندانه است. آنچه در هنر مهم است جهت آن است و اگر هنر جهت ایمان داشته باشد مطلوب است. بر روی مسئله حجاب کار هنری و کار زیبای تبلیغی باید صورت گیرد تا این مسئله در ذهن این عده جای گیرد.

*** بیانات در دیدار با خواهران هنرمند، ۶۳/۳/۱۰.**

*** پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**

در محضر امام خمینی(ره)

ما باید همگی یکسان باشیم

در زمان حیات مرحوم آیت الله بروجردی، حضرت امام روی منبر نرفتند و روی زمین می‌نشستند. محل درس ایشان یعنی مسجد سلماسی را روی آب انبار ساخته بودند و مرطوب بود و زمستان‌ها هم بسیار سرد می‌شد. روزی پتویی را پهن کردم تا امام در موقع درس روی آن بنشینند. خلاصه بعد از درس که متوجه شدند پتو مال من است؛ گفتند: جناب میرزا امروز آوردی و من هم به احترام شما نشستم، چنانچه فردا بیاوری من نمی‌نشینم؛ ما باید همگی یکسان باشیم.

(کتاب آینه حسن، آیت‌الله جعفر سبحانی، صفحه ۱۰۹)

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

احکام بورس

س) کسی که در یک شرکت تولیدی عضویت داشته و سهام‌دار بوده و سهم خود را واگذار و با شرکت تسویه‌حساب کرده است، آیا مبلغی را که دریافت نموده، مشمول خمس می‌شود؟

ج) اگر سهم خود از شرکت را با پول خمس، یا پول هبه یا ارث و امثال آن که خمس ندارد، خریده باشد، پس از تسویه و دریافت وجه بابت سهام، پول دریافتی خمس ندارد؛ ولی تفاوت قیمت خریدوفروش، جزء درآمد سال واگذاری محسوب می‌شود که اگر تا سر سال خمسی در مؤونه مصرف نشود، متعلق خمس است.

س) فردی هشت میلیون پول بدون خمس داشت و آن را در بورس سرمایه‌گذاری کرد و سهامی خرید؛ سر سال خمسی سهام او به‌احتمال‌زیاد بالای دوازده میلیون به فروش می‌رسد؛ اما ممکن است این هشت میلیون برای رسیدن به دوازده میلیون، پستی‌وبلندی‌هایی طی کرده باشد. مثلاً در ماه اول سرمایه‌گذاری، حدود دو میلیون ضرر کند و کل سرمایه به نزدیک شش میلیون برسد و در ماه دوم سود کند و کل سرمایه حدود نه میلیون شود و الی آخر؛ حال خمس او چطور حساب خواهد شد؟

ج) باید سهام سر سال خمسی قیمت‌گذاری شده و خمس سود حاصل از افزایش قیمت آن پرداخت شود.

س) در بورس اوراق بهادار خمس چگونه محاسبه می‌شود؟ با توجه به اینکه سر سال خمسی فرد دارای سهام چند شرکت فرارسیده و معمولاً نماد معاملاتی چند تای آنها به دلایل رایج مثل حسابرسی، متوقف است و معلوم نیست چه وقت و با چه قیمتی باز می‌شود، یا اینکه سهم در قیمت روز خریدار ندارد و باید صبر کرد تا در روزهای آینده قیمت به حدی پایین بیاید که خریدار داشته باشد تا بتوان قیمت واقعی سهم را محاسبه کرد؟

ج) باید سر سال خمسی برای قیمت‌گذاری سهام مذکور اقدام شود، هر زمان که امکان آن فراهم شد، محاسبه خمس انجام می‌شود.

بایدهای روابط همسران

زندگی مؤمنانه

▣ محمدمهدی رشادتی

وجود تفاهم و سازش، رفاه و آسایش، مقام و قدرت، شهرت و ثروت، علم و تخصص و سایر داشته‌های مادی و غیرمادی زندگی خانواده را به «آرامش پایدار» نمی‌رساند، مگر آنگاه که همراه با «ایمان قلبی و پذیرش عملی» باشد.

زن باتقوا، از همسرش با تکیه بر اصول الهی، اطاعت می‌کند و به خواسته‌های بحق او پاسخ مثبت می‌دهد. از عصبانیت و خشم دوری می‌کند. با غرور و تکبر در مقابل شوهرش مواجه نمی‌شود. با دوستان و فامیل همسرش با مهر و محبت و اخلاق خوش روبه‌رو می‌شود. به وقت آمدن شوهر از محیط کار، تا درب خانه به استقبال او می‌رود و به هنگام خروج از منزل، وی را بدرقه می‌کند.

مرد با تقوا، همه عمر و وقت خود را صرف بیرون نمی‌کند. خنده و نشاط خود را تنها برای دوستان نمی‌برد و در امور معنوی مانند مسجد و جلسات مذهبی و مطالعات علمی و... راه افراط نمی‌رود. مرد با تقوا، به این نکته توجه دارد که اسلام رعایت «تعادل» را در تمام مراحل زندگی حتی در امر عبادات، سفارش می‌کند، و از کم گذاشتن در حق زن و فرزند به بهانه رفت و آمد با دوستان یا شرکت در مجالس مذهبی و یا هر مسئله دیگری، به شدت نهی کرده است.

نقش ایمان

در نوشتار حاضر به مسئله بسیار مهمی اشاره می‌شود که غفلت از آن، زندگی مشترک بلکه زندگی هر فردی را دچار خسارت جبران‌ناپذیری خواهد کرد. و آن مسئله عبارت است از «ایمان به خدا و تقوای الهی».

به طور اجمال منظور از ایمان همان باور قلبی به اصول دین می‌باشد، یعنی «توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت». و منظور از تقوا، عمل به دستورات و الزامات دین می‌باشد، مانند: نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، خمس و زکات و رعایت اصول اخلاقی هم چون صداقت، امانت‌داری، وفای به عهد و پیمان و تعهدات زناشویی و حقوق متقابل زن و شوهر و... .

ایمان و تقوا، به نخ تسبیح می‌ماند که زنجیره بایدها و نبایدهای زندگی را به یکدیگر متصل کرده و به تک‌تک آنها معنا و رنگ و طعم معنوی می‌بخشد.

مجموعه اصول فراهم آمده در این مباحث، بدون پشتوانه «ایمان و تقوا» کارآیی لازم را نداشته و قطعا دوام و استحکام نیز نخواهد داشت.

آرامش پایدار در زندگی

زندگی منهای ایمان به خدا، زندگی منهای تقوا و خداترسی، زندگی بدون توکل به آفریدگان جهان، هویت آدمی را به مرزهای انسانیت و ارزش های والای انسانی، رهسپار نمی‌کند.

وجود تفاهم و سازش، رفاه و آسایش، مقام و قدرت، شهرت و ثروت، علم و تخصص و سایر داشته‌های مادی و غیرمادی، زندگی خانواده را به «آرامش پایدار» نمی‌رساند، مگر آنگاه که توأم و همراه با «ایمان قلبی و پذیرش عملی» باشد. - الا بذکر الله تطمئن القلوب، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.- (رعد / ۲۸)

به قول شهید مطهری: انسانی که خلیفه‌الله و مسجود ملائکه است، در واقع انسان به علاوه ایمان است و نه انسان منهای ایمان. (انسان در قرآن، شهید مطهری ص ۱۶، ۱۷)

سبک زندگی غربی

زندگی خانواده ما باید سراسر رنگ الهی به خود بگیرد. خداوند باید در همه حوزه‌های فردی (روانشناختی) و حوزه‌های اجتماعی (جامعه‌شناختی) حضور داشته باشد.

اگر خدا در عرصه ارتباطات اجتماعی، ازدواج و روابط زناشویی، آموزش و پرورش، درآمد و کسب، خوراک و پوشاک، کار و تفریح، روابط بین‌الملل، قضاوت و داوری و... بروز و ظهور نداشته باشد، در واقع به نظریه حاکم بر غرب و روش «سکولاریزم و زندگی بدون خدا» تن داده‌ایم و این دقیقا همان بلایی است که استعمار بر سر مردم مغرب زمین آورده و خدا وتعالیم انبیاء را از حوزه حیات فردی و اجتماعی خارج نموده‌اند و در این میان مهم‌تر از همه هسته اصلی جامعه انسانی یعنی «کانون خانواده» را از وجود پرمهر پروردگار عالم تهی ساخته‌اند و به ندرت خانواده سالم و عشق و محبت و دل‌دادگی، میان آنان یافت می‌شود.

حضور خدا در میان خانواده

اکنون ببینیم خدا چگونه وارد زندگی ما می‌شود؟ ابتدا باید در نظر داشت که خداوند متعال در همه حال، و در همه جا، و در همه زمان، حاضر و ناظر است. همه عالم در محضر خداست. محضر خدا، روز و شب، دیروز و امروز و فردا، نهان و آشکار، زن و مرد، کوچک و بزرگ، درون و بیرون منزل، فقیر و غنی، رئیس و مرئوس، بالا و پایین و... نمی‌شناسد.

در ثانی، چنانچه واجبات را انجام دادیم، محرمات را ترک کردیم، به یکدیگر آزار نرساندیم، دروغ نگفتیم، حقوق الهی را مانند خمس و زکات و نذر و... پرداخت نمودیم، حقوق مردم و پدر و مادر و زن و فرزند و همسایه را رعایت کردیم و به آنان ظلم روا نداشتیم، مال حلال سر سفره خانواده آوردیم، از گناهان دوری کردیم، در امانت خیانت نکردیم، به وعده‌های خود وفا نمودیم، از غضب الهی ترسیدیم و به فرامین دین گردن نهادیم و... در این صورت خدا را به‌طور جدی و حقیقی به خانه و کاشانه و محیط گرم خانواده راه دادیم و او را در همه عرصه‌ها حاضر و ناظر دانستیم.

این‌گونه زیستن را که لباس زیبای تقوا را بر تن دارد و به تعبیر قرآن «بهترین لباس است» سبک زندگی اسلامی می‌نامند. (اعراف / ۲۶)

مرد باتقوا

مرد باتقوا، برای مخارج زندگی، نان حلال سر سفره خانواده می‌آورد. او به دستور دین دور حرام نمی‌چرخد. وقتی از کسب و کار فارغ شده و به خانه برمی‌گردد، تمام کوفتگی و خستگی خود را بیرون درب منزل رها کرده و با نشاط و شادی وارد خانه می‌شود.

مرد باتقوا، به همسرش لبخند محبت‌آمیز می‌زند. زحمات فراوان و تلاش‌های صادقانه او را ارج می‌نهد. او با همسر و فرزندانش به مهربانی و عطوفت برخودر می‌کند و به همه آنها احترام می‌گزارد.

مرد باتقوا، گاهی با زبان نرم و بیانی دل‌سوزانه و با نهایت تواضع، مسائل مربوط به حلال و حرام، معروف و منکر، خوبی‌ها و بدی‌ها را به اهل‌بیت خود گوشزد می‌کند و مراقبت می‌نماید که آنان در خصوص دین و دین‌داری و معنویات، گرفتار غفلت نشوند.

خدای مهربان به پیامبر خود خطاب می‌کند:

«ای پیامبر، خانواده خود را به نماز فرمان بده و در این راه صبوری کن» (طه/ ۱۳۲)

مرد باتقوا، تنها در فکر نجات و سعادت خود نیست. او همان‌گونه که مسئول امور دنیایی همسر و بچه‌های خود است، با تعهدات سنگین‌تری مسئول امور دینی و آخرتی آن‌ها نیز می باشد.

نقل می‌کنند: بعد از نزول آیه فوق، پیامبر(ص) غالبا صبح‌ها به طرف خانه فاطمه(س) و علی(ع) می‌رفت و درب را می‌زد و می‌فرمود: «الصلوة، رحمکم‌الله، نماز خدا شما را رحمت کند» (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۳۸)

مرد باتقوا، همه عمر و وقت خود را صرف بیرون نمی‌کند. خنده و نشاط خود را تنها برای دوستان نمی‌برد و در امور معنوی مانند مسجد و جلسات مذهبی و مطالعات علمی و... راه افراط نمی‌رود. مرد باتقوا، به این نکته توجه دارد که اسلام رعایت «تعادل» را در تمام مراحل زندگی حتی در امر عبادات، سفارش می‌کند، و از کم گذاشتن در حق زن و فرزند به بهانه رفت و آمد با دوستان یا شرکت در مجالس مذهبی و یا هر مسئله دیگری، به شدت نهی کرده است.

مرد باتقوا، در همه شئون زندگی، آداب لازم را به عنوان یک همسر شایسته و مهربان، مراعات می‌کند و از این راه به استحکام بنای خانواده و جلب محبت زن و فرزند کمک می‌نماید.

زن باتقوا

زن باتقوا، از همسرش با تکیه بر اصول الهی، اطاعت می‌کند و به خواسته‌های به حق او پاسخ مثبت می‌دهد. از عصبانیت و خشم دوری می‌کند. با غرور و تکبر در مقابل شوهرش مواجه نمی‌شود. با دوستان و فامیل همسرش با مهر و محبت و اخلاق خوش روبه‌رو می‌شود. به وقت آمدن شوهر از محیط کار، تا درب خانه به استقبال او می‌رود و به هنگام خروج از منزل، وی را بدرقه می‌کند.

زن باتقوا از شوهر خود انتظار دارد که جز رزق حلال به خانه نیاورد که ما به مال حلال خدا، هرچند اندک باشد، قانع هستیم و زیر بار گناه حرام نمی‌رویم.

مبادا به بهانه داشتن زن و فرزند و مخارج، از محدوده مقررات الهی تجاوز کنی و زندگی پاک و سالم ما را به حرام آلوده نمایی.

زن باتقوا، از چشم و هم‌چشمی پرهیز می‌کند. شوهرش را به خاطر هم‌رنگ شدن و هم‌طراز گردیدن با سطح زندگی اقوام و همسایگان و... در تنگنا قرار نمی‌دهد و او را خجالت‌زده نمی‌کند. (برگرفته از نظام خانواده در اسلام، حسین انصاریان، ص ۵۷)

روزی علی(ع) به همسرش فرمود: «فاطمه جان، آیا در منزل غذایی داریم؟ زهرا(س) گفت: دو روز است که غذای کافی نداریم، آن مقدار هم که بود برای شما و حسن و حسین آوردم و خودم نیز استفاده نکردم.

علی(ع) پرسید: فاطمه جان چرا به من اطلاع ندادی تا چیزی تهیه کنم؟ فاطمه در پاسخ همسر مهربانش گفت: یا اباالحسن، من از پروردگار خود حیا و شرم می‌کنم که از تو چیزی بخواهیم که توان تهیه آن را نداری. (فرهنگ سخنان فاطمه(س) محمد دشتی، ص ۲۹)

زن باتقوا، زیبایی‌ها و جذابیت‌های خدادادی خود را فقط برای همسرش عرضه می‌کند و آرایش‌های خویش را در معرض دید چشمان مردان نامحرم به نمایش نمی‌گذارد.

برادر عزیز و خواهر گرامی، جالب است بدانیم که مطابق بیان قرآن، چنین زن و شوهری که خود را مزین به لباس تقوا نموده‌اند، در واقع از «دوستان و رفیقان خدا» محسوب می‌شوند. «ان‌اولیاءالله الا المتقون، دوستان خدا کسی نیست مگر انسان‌های باتقوا» (انفال/ ۳۴)

نشانه دین‌داری

در منابع اسلامی، مهم‌ترین نشانه دین‌داری را «نماز» معرفی نموده است. نماز عبادتی است که از ابتدای بلوغ تا پایان عمر همواره در شب و روز باید آن را انجام داد و در هیچ شرایطی ساقط نمی‌شود. اما سایر اعمال عبادی در شرایط خاص گاهی لازم می‌شود و برخی نیز مانند حج ممکن است در طول زندگی فقط یک‌بار واجب گردد.

نماز نهایت اظهار بندگی و خضوع و خاکساری در پیشگاه ربوبی است. در روایات آمده که نماز به منزله ستون دین است که اگر قبول درگاه الهی واقع شود، بقیه عبادات نیز مقبول می‌افتد و اگر پذیرفته نشود، سایر اعمال نیر شایسته قبول قرار نمی‌گیرد.

در حدیث نبوی آمده است که: هرگاه بنده‌ای به نماز می‌ایستد و حواس ظاهری و باطنی او با خدا و متوجه او باشد، پس از پایان نماز، همچون روزی خواهد بود که از مادر متولد شده است. (اسرارالصلوة، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ص ۲۷۶)

نماز اول وقت

از جمله شرایط مهم نماز، خواندن آن در اول وقت است. افراد خانواده وقتی خود را برای خواندن نماز در اول وقت، آماده می‌کنند معنایش این است که ما به پروردگارمان عشق می‌ورزیم. به او توجه و عنایت ویژه داریم. ملاقات با او را بر هر کاری ترجیح می‌دهیم. روشن است که چنین نگاهی به نماز، در رشد و تعالی خانواده تاثیر فراوان خواهد داشت. آیت‌الله محمدتقی بهجت(ره) از قول استادشان مرحوم سید علی قاضی(ره) نقل می‌کند: «هر کس نمازهای واجب یومیه را اول وقت بخواند، بر همه مقامات معنوی خواهد رسید و اگر نرسید مرا لعنت کند.» (البته با رعایت همه ضوابط و شرایط آن) (زمزم عرفان، محمدی ری‌شهری، ص ۷۹)

مرحوم مجتهدی تهرانی می‌گفت: «کسانی که به هر دری می‌زنند ولی کارشان درست نمی‌شود، برای این است که نمازشان را اول وقت نمی‌خوانند. جوان‌ها به شما توصیه می‌کنم، اگر می‌خواهید هم دنیا داشته باشید و هم آخرت، نماز خود را اول وقت آن، بخوانید.» (در محضر مجتهدی، محمودی گلپایگانی، ج۱، ص ۷۱)

نماز و قدرت بازدارندگی آن از بدی‌ها

سوال: چگونه نماز می‌تواند فرد و جامعه به ویژه اعضاء یک خانواده را از گناهان و ناهنجاری‌ها باز دارد؟

پاسخ: ۱- ریشه تمام منکرات «غفلت» است و خدا در آیه ۱۷۹ سوریه اعراف، انسان غافل را از حیوان نیز پست‌تر شمرده است. و نماز چون یاد خدا و بهترین وسیله غفلت‌زدایی است، پس زمینه منکرات را از بین می‌برد.

۲- اقامه نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنان که فردی که لباس سفید به تن کند، حاضر نمی‌شود در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳- در کنار نماز، معمولا توصیه به زکات شده است که بدین ترتیب فرد را از آفت بخل و بی‌تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از آسیب فقر، رها می‌سازد.

۴- نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آن‌ها، انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، به عنوان مثال: شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، او را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد. شرط پاک بودن آب وضو و مکان و لباس و بدن نمازگزار، وی را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند. شرط اخلاص در نماز، آدمی را از آسیب شرک، ریا و خودنمایی محفوظ می‌دارد. شرط قبله، انسان را از بی‌هدف بودن و توجه کردن به هر سو، نجات می‌دهد. رکوع و سجود در نماز، او را از صفت تکبر باز می‌دارد. توجه به پوشش مناسب در نماز، زن و مرد را از فرهنگ برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌نماید. (تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۹، ص ۱۵۱ و ۱۵۲)

خانه‌های نورانی و زندگی مومنانه

امروزه به خاطر اشتغالات فراوان، اعضاء خانواده کمتر دور هم جمع می‌شوند. گاهی که این فرصت گردهم‌آیی پیش می‌آید، صد افسوس که بیشتر وقتمان در فضای مجازی صرف شده و از یکدیگر غافل می‌شویم. و بدین ترتیب حقوق همدیگر را نیز ضایع می‌کنیم.چه زیباست که تصمیم بگیریم، بعضی وقت‌ها به همراه فرزندان خود، با یکدیگر خلوت کرده و دور هم جمع شده و ضمن دیدار چهره به چهره و گفت‌وگوهای صمیمی با هم، مختصری قرآن بخوانیم.

تشکیل محفل انس با قرآن در منزل بسیاربسیار مفید و سازنده است. دل‌هایمان نورانی گردیده و محیط خانه‌مان صفای معنوی پیدا می‌کند. پیامبراکرم(ص) فرمود: «خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید. خانه‌هایی که در آن قرآن خوانده نمی‌شود، همچون قبرستان خواهد بود. هرگاه یکی از شما دوست داشته باشد که با خدایش سخن بگوید، قرآن بخواند. دل‌ها نیز مانند آهن زنگار می‌بندد و تلاوت قرآن، صیقل‌دهنده دل‌هاست.» (اصول کافی، کلینی ج ۴ ص ۴۱۳)

نقش قرآن چون که بر عالم نشست
نقش‌های پاپ و کاهن را شکست
چون که در جان رفت، جان دیگر شود
جان که دیگر شد، جهان دیگر شود
(اقبال لاهوری)

برادر و خواهر گرامی، به این ترتیب، وقتی خودمان را در محضر و منظر خداوند دانستیم و حدود و ضوابط الهی را رعایت کردیم، زندگی‌مان «زندگی مومنانه» می‌شود و خانه‌هایمان به نور قرآن، نورانی می‌گردد، و در نتیجه، خود و همسرمان و نیز فرزندان‌مان، سعادتمند و خوشبخت خواهند شد.

رابطه عفاف و حجاب؛ واقعیت یا توهم؟

برخی معتقدند که عفاف غیر از حجاب است و آنچه برای زنان ارزش است و باید دارا باشند، حیا و عفاف است؛ نه حجاب! بسا زنانی که حجاب کامل ندارند، اما عفیفند. ظاهر، مهم نیست و بر اساس ظاهر نمی‌توان به باطن افراد پی‌برد؛ بلکه باید باطن آراسته باشد. اصل انسان، سیرت و باطن او است. به قول ویل دورانت، عفت با لباس پوشیدن هیچ رابطه‌ای ندارد و به قول مردم، دلت پاک باشد! این ادعا تا چه اندازه منطقی و منطبق بر ارزش‌های اسلامی است؟

در پاسخ باید گفت شکی نیست که عفاف به معنای حجاب نیست؛ بلکه بسیار عمیق‌تر و فراگیرتر از حجاب است. انکارشدنی نیست که برخی از زنان بی‌حجاب، در بسیاری از امور زندگی و ابعاد رفتارها و فضائل اخلاقی، عفیفند و بسا زنان چادر به سری که عفت زبان یا نگاه یا شکم را نگاه نمی‌دارند؛ امّا آیا می‌توان گفت که حجاب، به عفاف ربطی ندارد و اصل، عفاف است و حجاب اهمیت چندانی ندارد؟! واقعیت این است که این سخن یکی از مغالطه‌های رایج میان مردم است. این ادعا که حجاب به عفاف ربطی ندارد با چند دلیل باطل است:

اولاً: عفاف اگرچه از خصلت‌های درونی انسان است و حجاب به ظاهر و شکل پوشش مربوط است، امّا این دو یقینا به هم مربوطند. حجاب، یا به عبارت بهتر و دقیق‌تر، پوشش، یکی از جلوه‌های عفت ورزی است. هرظاهری، با هرباطن و فکر و اخلاقی سازگار نیست. هرکس ادعای صورت باطنی خاصی دارد، ظاهری متناسب با آن را به نمایش می‌گذارد. اسلام علاوه‌بر اهتمام به پوشش ظاهر برای زن و مرد، به عفت درون و پاک دیگر رفتارها هم اهتمام می‌ورزد. عفت همانگونه که در پوشش نمایان می‌شود، در نگاه، گفتار و رفتار و همه ابعاد وجودی انسان قابل جاری شدن است. حجاب بیرون زاییده عفاف و حیای درونی است. محال است فردی کاملا عفیف باشد و عفت درونی به ظاهر و رفتار او سرایت نکند. چنانکه بدون عفت و حیا، کسی نمی تواند حجاب کامل را در رفتار خود به نمایش بگذارد، مگر به صورت موقت و منافقانه. هیچ زن و مرد عفیفی نمی‌توان یافت که بدون کمترین پوشش در میان خویشان و اهل خانه خود ظاهر شود؛ چه رسد به اینکه با چنان وضعی از خانه بیرون آمده و در اجتماع حضور یابد. بنابر این ادعای اینکه عفاف به حجاب ربطی ندارد؛ سخن نادرستی است.

آری! در کمیت و کیفیت پوشش، میان شرع و عرف، قدری تفاوت وجود دارد. پوشش شرعی از پوشش عرفی، بیشتر و کیفیتی متفاوت از آن دارد.

ثانیاً، تجربه عمومی انسان‌ها و دانش روان‌شناسی نشان داده است که ظاهر، در باطن و روح مؤثر است؛ همان‌گونه که روح و خصلت‌های آن در ظاهر انسان تأثیری برجسته دارد. اصل تأثیر متقابل میان ظاهر و باطن انسان قابل انکار نیست. انسان‌های فهیم و سنجیده رفتار، به ظاهر و باطن خود بها می‌دهند. پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) با وجود آنکه می‌گوید: «من برای به کمال رساندن اخلاقیات خوب، برانگیخته شده‌ام»[1] و دین برای رشد شخصیت انسان به روح و درون او بیش از ظاهر اهتمام می‌ورزد، اما به ظاهر، نوع، رنگ و مدل لباس، آرایش مو و صورت، ریش و سبیل و بدن و دیگر ابعاد ظاهری انسان هم توجه می کند و آن را مهم می‌شمارد. به همین سبب درباره امور ظاهری زندگی هم در قرآن و روایات، تعالیم بسیاری وجود دارد.

ثالثاً: این اشکال معمولا از سوی کسانی مطرح می‌شود که پاکدامنی مورد اهتمام دین را قبول ندارند یا می‌خواهند از زیر بار مسئولیت آن رها شوند. این ادعاها معمولا یک مکانیزم دفاعی روان‌شناختی برای فرار از مسئولیت دینی و در عین حال، گرفتار نشدن به عذاب وجدان و احساس گناه است.

برخی از زنان به علل مختلف دوست دارند با خودآرایی و نمایش زیبایی‌های بدنی خود در جامعه حضور یابند و برخی از مردان نیز به دنبال بهره‌وری جنسی رایگان از جاذبه‌های بدنی زنانند و از این رو به دنبال دستاویزهای منطقی و اخلاقی برای هنجارسازی اینگونه رفتارها برمی‌آیند. در حالی که در همه فرهنگ‌ها عفت ورزی از پوشش جدا نیست و پوشش ظاهری، نمایان‌گری سطحی از عفت درونی است. البته دین اسلام با توجه به مصالح معنوی، اخلاقی، اجتماعی، روان‌شناختی پوشش منضبط‌تری را برای زنان و مردان مسلمان توصیه کرده است و پوشش حداکثری و پرهیز از خودنمایی و خودآرایی و نیز رعایت عفت چشم و زبان در برابر نامحرمان است. زنان مسلمان می‌توانند در برابر محارم خود، بخشی از زینت‌های خداداد خویش را آشکار کنند؛ همچنانکه بسیار زیبنده و پسندیده است که همه جاذبه‌های ظاهری و باطنی خود را برای همسران خود به نمایش گذارند. پوشش زن مسلمان در برابر مردان نامحرم، نشانه ایمان درونی، شخصیت رشدیافته و اهتمام او به عفت عمومی و کرامت الهی خویش است!

* مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

عفت همان‌گونه که در پوشش نمایان می‌شود، در نگاه، گفتار و رفتار و همه ابعاد وجودی انسان قابل جاری شدن است. حجاب بیرون زاییده عفاف و حیای درونی است. محال است فردی کاملا عفیف باشد و عفت درونی به ظاهر و رفتار او سرایت نکند. چنان‌که بدون عفت و حیا، کسی نمی تواند حجاب کامل را در رفتار خود به نمایش بگذارد، مگر به صورت موقت و منافقانه. هیچ زن و مرد عفیفی نمی‌توان یافت که بدون کمترین پوشش در میان خویشان و اهل خانه خود ظاهر شود؛ چه رسد به اینکه با چنان وضعی از خانه بیرون آمده و در اجتماع حضور یابد.

حجاب، یا به عبارت بهتر و دقیق‌تر، پوشش، یکی از جلوه‌های عفت‌ورزی است. هر ظاهری، با هر باطن و فکر و اخلاقی سازگار نیست. هرکس که ادعای صورت باطنی خاصی دارد، ظاهری متناسب با آن را به نمایش می‌گذارد. اسلام علاوه بر اهتمام به پوشش ظاهر برای زن و مرد، به عفت درون و پاک دیگر رفتارها هم اهتمام می‌ورزد.

[1]. قال النبی(ص) : «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۱۸۷، باب ۶ از ابواب جهاد نفس، ح۱.

چراغ راه

اصلاح و تعالی جامعه با اصلاح دو صنف

قال‌النبی(ص): «صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی، و اذا فسد افسدت امتی. قیل یا رسول‌الله! و من هم؟ قال: الفقهاءو الامراء».

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: دو صنف و گروه از امت من اگر صالح و درستکار شدند، امت من صالح و درستکار می‌شود، و اگر فاسد شدند امت من فاسد می‌شود.

گفته شد (سوال شد) ای رسول خدا! این دو صنف و گروه چه کسانی هستند؟

حضرت فرمود: فقها و دانشمندان و امرا و حاکمان هر جامعه‌ای.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۴

حکایت خوبان

نفی رانت‌خواری و سوءاستفاده از قدرت

امام‌رضا(ع) تا آنجا که می‌توانستند، از پذیرش ولایتعهدی امتناع می‌کردند، یکی از نزدیکان آن حضرت به نام «محمدابن ابی‌عباد» با لحنی اعتراض‌آمیز گفت: چرا ولایتعهدی را نمی‌پذیرید و از موقعیت بدست آمده استفاده نمی‌کنید تا ما هم به منفعتی برسیم؟!

امام‌رضا(ع) در پاسخ فرمودند: اگر این کار به دست من بود، حقوق تو از بیت‌المال، برابر با حقوق مردم عادی می‌شد، و شما تحمل این عدالت را ندارید.[1]

۱- عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۹۰

پرسش و پاسخ

دلایل تعالی و انحطاط جوامع(۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام چه عواملی موجبات پیشرفت، تعالی و تکامل جوامع، و یا بالعکس زمینه‌ساز انحطاط و سقوط جوامع را فراهم می‌آورد؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به دو عامل تعالی و سقوط جوامع انسانی شامل: ۱- عدالت اجتماعی و ظلم ۲- تقوا و پاکی و فسق و فجور پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۳- اتحاد و تفرقه

اتحاد و تفرقه دو سنت الهی در جوامع انسانی است که هر کدام آثار خاص خود را دارد. اتحاد و همبستگی و انسجام مردم رمز تعالی، تکامل و دوام جامعه است و بالعکس تفرقه و تشتت عامل زوال و انحطاط جامعه می‌باشد. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ می‌فرماید: واعتصموا بحبل‌الله جمیعا و لاتفرقوا واذکروا نعمت‌الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی «شفا حفرة من النار فانقذکم منها» (ای مسلمانان!) همگی به ریسمان الهی (یعنی دین اسلام و ائمه اطهار(ع) و قرآن) چنگ بزنید(و با ایجاد حزب و یا فرقه‌سازی‌های مختلف مذهبی که موجب از بین رفتن اتحاد و سستی قوا و جری شدن دشمنان علیه شما می‌شود، از همدیگر جدا و) متفرق نشوید، و نعمت(برادری و اتحاد) را که خداوند به شما داده یاد کنید(در حالی که قبل از این نعمت شما) دشمن یکدیگر بودید. اما خداوند در میان دل‌های شما الفت(و محبت و برادری) ایجاد کرد و (به برکت این نعمت الهی) با یکدیگر برادر شدید و (اگر خداوند این نعمت برادری و الفت را میان شما ایجاد نمی‌کرد) شما (همانند زمان جاهلیت) بر لبه پرتگاهی از آتش(کینه و تفرقه و دشمنی با یکدیگر) بودید.

پس خداوند شما را از آن پرتگاه نجات داد. همچنین خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ماجاء هم البینات» (شما مومنان) مانند کسانی از (یهود و نصاری) نباشید که پس از آمدن دلایل روشن(از جانب خدا برای هدایت آنها) باز هم پراکنده شدند و (هرکدام چند فرقه شدند) و (در دین خود) اختلاف کردند. زیرا تفرقه، تشتت و اختلافات عامل زوال و انحطاط و نابودی جوامع و اتحاد و همبستگی ملی ضامن سعادت، تکامل، تعالی و بقای جوامع می‌باشد.

۴- امر به معروف و نهی از منکر و ترک آن

مسئله دیگری که هم در قرآن و هم در روایات تاکید فراوانی بر آن شده است، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است، که بقای حکومت‌ها و جوامع انسانی را تضمین و آنها را در مسیر تعالی، تکامل و بالندگی سوق می‌دهد.

انحراف و ترک معروف‌ها و ارتکاب منکرها اگر در جامعه‌ای پیدا شد، به طور طبیعی آن جامعه دیگر به سوی تعالی پیش نمی‌رود بلکه به سمت انحطاط، سقوط و هلاکت پیش خواهد رفت. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۱۰ می‌فرماید: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله». «شما (مسلمانان) بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار(و برگزیده) شده(و دلیل بهتر بودنتان این است که یکدیگر را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنید و از بدی‌ها و زشتی‌ها جلوگیری می‌کنید و به خداوند ایمان می‌آورید.» همچنین قرآن کریم گاهی قضایای تاریخی و هلاکت اقوام گذشته را که نقل می‌کند، با صراحت اعلام می‌کند که اینها نهی از منکر نمی‌کردند. یعنی اگر در میان آنها مصلحانی بودند که نهی از منکر می‌کردند، کار و عاقبت آنها به هلاکت نمی‌کشید. (هود-۱۱۶)

امام علی(ع) هم در نهج‌البلاغه خطبه ۱۹۰ می‌فرماید: «خداوند اقوام گذشته را عذاب نکرد مگر به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر».

حدیثی را هم از پیامبر گرامی(ص) روایت کرده‌اند که فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، در غیر این‌صورت خدای متعال بدان را بر شما مسلط می‌کند و آن وقت خوبان شما دعا می‌کنند و دعایشان مستجاب نمی‌شود. (امالی صدوق، ص ۳۰۸)

سلوک عارفانه

مخاطب قرآن شخصیت فطری انسان‌ها و پرورش آن است

(بدان ای سالک راه خدا!) در خطاب‌های قرآن مخاطب‌ها انسان بما هو انسان است، و قهراً مخاطب آن انسان فطری است که در هر انسان ولو انسان فاسد هست. انسان فاسد دو شخصیت دارد: ۱- شخصیت فطری ۲- شخصیت اجتماعی. پیامبر(ص) اول می‌آید شخصیت فطری انسان فاسد را علیه شخصیت اجتماعی‌اش برانگیزد. می‌خواهد او به دست خودش، خودش را